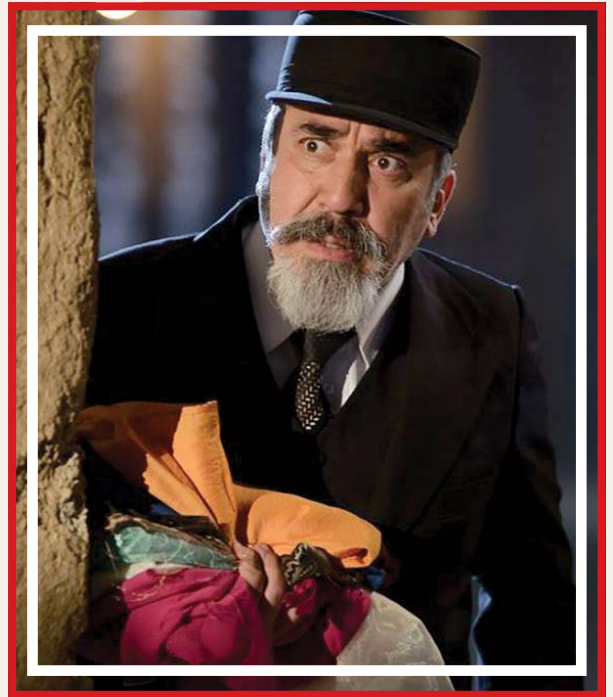


دیگران چه گفته‌اند؟

رضا صائمی: به نظر می‌رسد افشین هاشمی که حالا نخستین اثر تاریخی خود را در مقام کارگردان تجربه می‌کند تلاش کرده تاسویه‌های اجتماعی و فرهنگی تاریخ معاصر را برجسته کند تا رخدادهای سیاسی در پس زمینه و لایه دوم درام بگیرد. این زاویه دید کمک می‌کند تا مخاطب با مسائل اجتماعی آن دوره و تحولات آن در نسبت با وضعیت زنان مواجه شود. چنان که می‌توان آن را تاریخ معاصر به روایت زنان دانست. در واقع سریال به زوایای پنهان یا کمتر گفته شده‌ای از تاریخ معاصر با محوریت وضعیت زنان در آستانه تجربه مدرنیته و زن مدرن ایرانی می‌پردازد. انگار کارگردان قصد داشته به پدیدارشناسی زن مدرن ایران در تاریخ معاصر با زبانی طنزانه دست بزند. لذا از حیث فرمی و ژانری باید آن را یک کمدی - تاریخی دانست که فضایی مفرح و سرخوشانه دارد؛ در عین این که ملترزم به دغدغه‌های جدی خود در روایت تاریخی است. حاصل این ساختار روایی به نوعی آشنایی زدایی از سریال تاریخی و شیوه روایت آن است؛ روایتی که شیرینی درس تاریخ را با همه تلخی‌های واقعیت تاریخی صورت‌بندی می‌کند، از خلاقیت‌های گرافیکی و زیبایی‌شناسی هم برخوردار است و لحن طنزانه خود را از همان تیتراژ قسمت اول آغاز می‌کند. تیتراژی کاملاً متفاوت که باطنی ظریف، شمایل و ساختار تیتراژهای متعارف را به چالش می‌کشد.

علی یوسفی (آرت تاکس): فیلمنامه «شبکه مخفی زنان» یک اشتباه استراتژیک بزرگ دارد: هیچ پیرنگ مشخص و واضحی رو نمی‌کند. در این سه اپیزود (۱ ماه)، هیچ طناب معینی برای مخاطب جا نگذاشته که بشود آن را گرفت و خرده داستان دقیقی را دنبال کرد. بگذارید این طور بگویم که «شبکه...» اتمسفر کلی بدی ندارد، تصاویر و میزانشن‌هایش اگر جاذبه نداشته باشند، دست کم دافعه برانگیز هم نیستند. اما معلوم نیست فیلمنامه نویس، به وقت نگارش سریالی با پخش هفتگی، چه تمهیدی در ذهن داشته. بزرگ‌ترین اشتباه، نبود حتی یک سرنخ داستانی برای دنبال کردن ماجراست. در کنار آن، در سکانس نویسی‌ها هم کوتاهی یا شاید بهتر باشد بگویم اشتباه‌های زیادی صورت گرفته. سکانس‌ها، چیز خاصی برای دنبال کردن ندارند. زیادی تخت‌اند. از هیچ جهتی سمپاتیک نمی‌شوند. مثلاً همراهی مخاطب با میرزامحمود را بر نمی‌انگیزانند. شخصیت‌های پیش‌تر معرفی شده از یاد می‌برند و همین‌طور به موقعیت‌های فانتزی اکتفا می‌کنند. ایده‌ای برای سکانس نویسی استاندارد وجود ندارد در کار. وقتی در این اپیزود، میرزامحمود را می‌زنند، نه اصل مسئله مشخص است و نه ایده‌ای برای تقابل میرزامحمود با اطرافیان. این گونه است که سکانس‌ها به هم نمی‌چسبند. اصلاً نسبتی با هم ندارند. وقتی از میرزامحمود، به تعطیلی تمرین نمایش می‌رویم، میرزامحمود را فراموش می‌کنیم. چون مسئله و گره مشخصی نداشته‌اند و همین‌طور تصادفی در خیابان‌ها پرسه می‌زند. با یک تدوین دوباره، می‌شود جای نیمی از صحنه‌ها را با هم عوض کرد. این مسئله چیزی نیست که به جنس داستان و شیوه خاص روایت مربوط بدانیمش. در هر جنسی از روایت سینمایی و سریالی، صحنه‌ها باید پیوند منسجمی با هم داشته باشند.



روزگار دوزخی میرزا محمود

(شبکه مخفی زنان) (افشین هاشمی)

«شبکه مخفی زنان»، جدیدترین محصول نماوا، مجموعه‌ای کمدی - تاریخی است که توسط افشین هاشمی ساخته شده است. سیامک انصاری، مهدی هاشمی، لیلاحاتمی، حمید فرخ‌نژاد، شبنم مقدمی، شقایق دهقان، باران کوثری، رضا بهبودی، امیر حسین رستمی و احسان کریمی از جمله بازیگران این سریال هستند. داستان «شبکه مخفی زنان» در سال ۱۳۱۰ اتفاق می‌افتد. زمانی که وزارت فرهنگ و هنر تصمیم به تشکیل کانون بانوان می‌گیرد تا با گروه‌های دیگر شروع به مبارزه و آن‌ها را حذف کند. میرزا محمود خان زنبور کچی (با بازی سیامک انصاری) که کارمند اداره ساجل احوال است توسط مردی به نام مدیر (مهدی هاشمی) برای فعالیت در کنار دلیر جان تاجر باشی (لیلاحاتمی) دعوت به همکاری برای کار در این اداره می‌شود. میرزا محمود که یکی از بزرگ‌ترین نقاط ضعف مواجهه با زنان است باید روند تشکیل این کانون را کنترل کند.

نظر شخصی

«شبکه مخفی زنان» در قسمت اول با یک فضا سازی حساب شده و دقیق نوید آینه‌ای در خشان را می‌داد اما پس از گذشت چند قسمت هم چنان می‌بینیم که سریال به جای ارائه یک خط داستانی مشخص دست از فضا سازی و معرفی شخصیت‌ها بر نمی‌دارد و به دنبال راه رفتن روی همان خطی است که در قسمت اول نشان داده. سریال تا پایان قسمت چهارم بدون این که دغدغه داستان گویی داشته باشد صرفاً بر توانایی بازیگرانش تکیه می‌زند و سعی می‌کند مخاطب را با خود همراه کند. بنابراین هر بار به مخاطب اطلاعاتی تکراری داده می‌شود. هم چنین مشخص نمی‌شود که دلیل کابوس‌های میرزامحمود چیست. چهار قسمت از سریال گذشته و سریال فراتر از نمایش صرف کابوس‌ها نرفته است. تمرکز سریال همان‌طور که از نامش پیداست بر روی زنان است و آن‌ها را به دو گروه تقسیم می‌کند: زنانی روشن فکر و حاضر در اجتماع، مثل پروین اعتصامی و زنانی هم چون همسران میرزا محمود، مشغول در خانه. با این حال هیچ‌یک از این دو سر طیف داستان مشخصی پیدا نکردند. مثلاً داستان حضور جن در خانه بلور چند بار مطرح می‌شود و بعد بدون این که پیشرفت خاصی داشته باشد رها می‌شود.

نظر عوامل

جواد نوروزی بیگی، تهیه‌کننده: این اولین کاری بود که در خدمت افشین هاشمی به عنوان کارگردان بودم. البته ارتباط کاری ما به پیش از این سریال برمی‌گشت. آقای هاشمی آدم با تجربه‌ای است که چند کار سینمایی انجام داده و من در باره او واقعاً هیچ نگرانی خاصی نداشتم چرا که مطمئن بودم که مسیر ساخت این سریال درست است و شما حاصل کار را در بخش کارگردانی این سریال می‌توانید ببینید. برخی حتی از تئاتری شدن فضا به دلیل پیشینه تئاتری سازندگان کار حرف می‌زدند، که به نظرم این هم صرفاً یک نگرانی بود. ضمن آن که افشین هاشمی به عنوان کارگردان سینما چند فیلم سینمایی ساخته که در نمایش‌های بین‌المللی خیلی موفق بوده است و در سینما هم صاحب نگاه و سبک خودش است. رویکرد ما در «شبکه مخفی زنان» استفاده از چهره‌های شناخته شده در کنار بهره‌گیری از ظرفیت چهره‌های جوان بود. طبیعتاً برای جذابیت یک کار نمایش خنگی باید از بازیگرهای چهره استفاده کرد چرا که مردم دوست دارند آن‌ها را ببینند و از بازی خوب آن‌ها لذت ببرند. مادر این سریال البته از بازیگران زیادی هم استفاده کردیم که تازه کار بودند که آن‌ها هم خیلی خوب بازی کردند و هر چه پخش سریال جلوتر برود، بیشتر با آن‌ها مواجه خواهید شد. به گمان من، سریال «شبکه مخفی زنان» بازیگران زیادی را به بدنه سینما و سریال سازی معرفی خواهد کرد.

چهره شاخص

تا پایان چهار قسمت ابتدایی دو نفر را می‌توان چهره شاخص سریال «شبکه مخفی زنان» دانست: محمد رحمانیان در مقام نویسنده به علت ذوق در دیالوگ نویسی و طراح تیتراژ اثر به علت گرافیک متناسب با فضای سریال.